



اوستا توها و ترکان باستان

نویسنده: مهدی حسینی (اردبیل لی)



سوشناسه: حسنی اردبیل‌لی، مهدی، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور: اورارتوها و ترکان باستان/
نویسنده مهدی حسنی (اردبیل‌لی)؛
ویرایش فنی و ادبی سعید یاسین زاده.
مشخصات نشر: تبریز: قالان یورد، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۲۷۲ص، مصور،
جدول، نمودار، ۲۱.۵×۱۴.۵ س م
شابک: ۹۷۸-۶۲۳-۹۹۵۲۸-۹-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه

موضوع: اورارتو

urartu: موضوع

موضوع: آثار تاریخی

موضوع: Antiquities — Urartu

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۱۲۸۵/۱۱۸۸ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۶۵۶۹۵

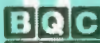
ISBN: 978-622-99870-2-5



تبریز، رشیدیه، خیابان گلستان
خیابان سعدی، پلاک ۲۰، انتشارات قالان یورد
تلفن: ۰۴۰۶ ۴۱۳۶۶۱ فکس: ۰۴۰۷ ۴۱۳۶۶۱



قالان یورد



دارای گواهینامه ISO 9001 از شرکت BQC یونان

EN ISO 9001:2008

اورارتوها و ترکان باستان

تألیف: مهدی حسنی (اردبیل‌لی)

ویرایش فنی: سعید یاسین زاده

مقدمه: دکتر محمد زاده صدیق

گرافیک: آتابای

چاپ نوبتی: بیرینجی چاپ/تبریز ۱۳۹۸

بیچیم: رقعی/۲۷۰ صفحه

چاپ/اصحافی: علمیه، اطلس

سای: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۴۵ مین تومن

ناشر: قالان یورد

حق چاپ برای نویسنده و ناشر محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

چند کلمه	۹
پیشگفتار نویسنده	۱۳
مدخل	۱۹
بخش اول	۳۳
نگاهی به دیرینگی حضور دو قوم حوری و اورارتویی در منطقه‌ی آذربایجان و مناطق مجاور آن، همزیستی قوم «توروکی» باستان در کنار آن‌ها و ادامه‌ی حضور ترکان در آذربایجان در عرصه تاریخ	۳۳
بخش دوم: رابطه‌ی قوم اورارتو و ترکان و مشترکات	۴۹
قسمت یکم: حقایق تاریخی	۴۹
قسمت دوم: کشفیات باستانی در آذربایجان از اورارتوها	۵۲
قسمت سوم: نام‌های جغرافیایی	۷۶
قسمت چهارم - منابع اسلامی	۱۴۱
قسمت پنجم: ردیابی و مقایسه‌ی اشتراکات فرهنگی، باورها، مفاهیم دینی، پیکرتراشی و ریشه‌های اسامی خاص قوم اورارتو (بی‌آنلی) و اجدادشان هورری و ترکان:	۱۵۰
اشتراکات فرهنگی	۱۵۰
باورها:	۱۵۹
مفاهیم دینی	۱۶۶
پیکرتراشی:	۱۷۶
ریشه‌های اسامی خاص:	۱۷۹
مشابهت در اسامی عناصر طبیعی	۱۸۳
مشابهت در اسامی حیوانات	۱۹۰
مشابهت‌ها در اسامی اعضای خانواده	۱۹۳
مشابهت‌ها در اسامی اعضای بدن انسان	۱۹۶
بررسی مشابهت واژه‌های کاربردی برای نبرد	۱۹۶
واژه‌ی کاربردی برای کشتن، قربانی کردن	۱۹۶

- ۱۹۷..... واژه‌ی کاربردی برای «تیردان»
- ۱۹۷..... چیز سخت، تانک، زره‌پوش
- ۱۹۸..... واژه‌های کاربردی برای اسلحه و وسیله‌ی جنگ و نزاع
- ۱۹۸..... واژه‌ی کاربردی برای «به‌جای دیگر بردن»
- ۱۹۹..... واژه‌ی کاربردی برای سربازان
- ۱۹۹..... همسانی واژه‌ی کاربردی دیگری برای سرباز، جنگجو
- ۱۹۹..... واژه‌ی کاربردی برای دستور
- ۲۰۲..... واژه‌ی کاربردی برای غارت، فتح کردن، گرفتن
- ۲۰۲..... واژه‌ی کاربردی برای رقابت، مبارزه و جنگ
- ۲۰۲..... واژه‌ی کاربردی برای فرستادن، راهی کردن
- ۲۰۳..... واژه‌ی کاربردی غلبه در جنگ
- ۲۰۳..... واژه‌ی کاربردی برای سوختن، با آتش ویران شدن
- ۲۰۳..... واژه‌ی کاربردی برای در جلو حرکت کردن، در پیش رفتن
- ۲۰۴..... واژه‌ی کاربردی برای منهدم کردن و از بین بردن، اعمال قدرت
- ۲۰۵..... واژه‌ی کاربردی برای به‌زور باز کردن، شکافتن
- ۲۰۵..... واژه‌ی کاربردی برای رفتن، دور شدن، فاصله گرفتن
- ۲۰۶..... واژه‌ی کاربردی برای تصاحب کردن
- ۲۰۷..... مشابهت در واژه‌هایی که برای واحدهای اندازه‌گیری به کار می‌روند:
- ۲۰۷..... واژه‌ی کاربردی برای پیمانه مایعات
- ۲۰۷..... واژه‌ی کاربردی برای ظرف
- ۲۰۸..... واژه‌ی کاربردی دیگری برای پیمانه مایعات
- ۲۰۸..... واژه‌ی کاربردی دیگری برای مقیاسی از مایعات
- ۲۰۹..... مشابهت‌ها در اسامی مخصوص کاربردی در حوزه‌ی کشاورزی
- ۲۰۹..... واژه‌ی کاربردی مخصوص آبیاری
- ۲۰۹..... واژه‌ی کاربردی برای اطلاق به انبار غله
- ۲۱۰..... واژه‌ی کاربردی برای درو کردن
- ۲۱۰..... واژه‌ی کاربردی برای مکان آبیگر، جایی که دسترسی به آب دارد

۲۱۱		واژه کاربردی برای رود
۲۱۱		-ریدیایی واژه‌ی کاربردی در کشاورزی:
۲۱۲		واژه‌ی کاربردی برای جمع‌آوری کردن
۲۱۲		واژه‌ی کاربردی برای تاکستان
۲۱۲		-واژه کاربردی برای هدایت کردن و جاری ساختن (آب) در داخل کانال
۲۱۳		ریشه‌یابی استفاده از ریشه (root)های ار و اثر در اورارتویی و ترکی:
۲۱۷		نمونه‌هایی از اسامی عام
۲۱۷		واژه‌ی کاربردی برای اطلاق به برده، خدمتگزار
۲۱۹		ردگیری و مشاهده‌ی کاربرد واژه‌ی دینی ترکان در زبان اورارتویی
۲۲۳		لغت‌نامه
۲۵۷		منابع
۲۵۷		منابع فارسی
۲۶۱		منابع انگلیسی
۲۶۳		-منابع ترکی
۲۶۴		-منابع ایتالیایی
۲۶۴		-منابع عربی

کتاب را تقدیم می‌کنم به پسر مامیررضا

چند کلمه

فرهنگ و تمدن اورارتویی در ازمنه‌ی باستان در سوی‌های دریاچه اورمیه و حدفاصل آن تا دریاچه وان و کوهپایه‌های قفقاز و گستره‌ی جغرافیایی آذربایجان تا رود فرات استقرار یافته بود. مردم صاحب این فرهنگ در قرن ۷ و ۸ پیش از میلاد دولت مقتدری تشکیل دادند که از شمال غرب ایران تا قلب آناتولی را در سیطره‌ی خود داشت.

نام این قوم در سنگ‌نبشته‌های آشوری به صورت Uruarti آمده است که در سده ششم پیش از میلاد مغلوب مادها شده‌اند و پراکنده گشته‌اند.

کتاب پژوهشی حاضر به‌منظور معرفی فرهنگ اورارتویی و قرابت این مردم به اقوام همسایه و ساکن در گستره‌ی جغرافیایی تحت سیطره‌شان تألیف شده است. پژوهشگر محترم کتاب، آقای حسنی در فصل‌های آغازین کتاب، پس از اشاره به موارد مشترک گرامری میان متون بازمانده از اورارتویی با ترکی کهن به معرفی اورارتوها و وارثین و ناقلین تمدن آنان یعنی اتروسکی‌ها و جهات اشتراک فرهنگ ترکی و تأثیر در تکوین تمدن مادی و هخامنشی می‌پردازد (ص ۲۳-۳۵) و سپس از قدمت سکونت اقوام توروکی باستان در کنار اورارتویی‌ها و هوری‌ها و معرفی کشفیات باستان‌شناسی از اورارتوها در آذربایجان و معرفی کتیبه‌ها و منطقه‌ی شهر یثری در مشکین‌شهر (ص ۶۰ و ۶۱) سخن می‌گوید و به جهات فرهنگی مشخص اورارتوها مانند طراحی گلبرگ‌های هفت‌تایی و نه‌تایی بر روی غلاف شمشیر و یا ی شمشیر و تداوم آن در میان سکاها و پارسیان و اشاره به شاهنامه می‌کند.

از موارد جالب این پژوهش تأمل در ریشه‌شناسی اسامی برخی آبادی‌ها مانند اردبیل، نمین، آستارا و جز آن است (ص ۷۶) و از جهات بارز در باب اسطوره پژوهی مؤلف، می‌توان به ردیابی و مقایسه‌ی اشتراکات فرهنگی و دینی اقوام باستانی مانند نحوه‌ی ساخت شهرها، احترام به اسب، ستایش اجداد و نیاکان و توت‌سازی برای آنان، باور به انتخاب شاهان از سوی خدا، استفاده از شاخ، تصاویر قوچ، اسب و بز و شرح باورهای آئینی سومریان و شرح اصطلاحات آن مانند *Saman, Ar, Kam, Qam* و غیره اشاره کرد که با تلاشی پرتوش و توان سعی کرده‌اند همه را منتج به تدوین لغت‌نامه‌ی اورارتویی بکنند.

مؤلف جوان در تألیف کتاب خود از منابع و مباحث به‌روز به زبان‌های فارسی، ترکی، انگلیسی، ایتالیایی و عربی استفاده کرده است.

نظر نهایی پژوهشگر محترم این نیست که اورارتوها مطلقاً همان ترکان باستان بوده‌اند بلکه به این باور رسیده‌اند که ترکان قدیم در اتحادیه‌ی اورارتویی‌ها و هوری‌ها همانند حضورشان در میان سومری‌ها ظهور کرده‌اند و اعتقاددارند که مهاجرت آنان به شرق و غرب از آذربایجان و قفقاز بوده است.

از موارد مهم کتاب اثبات تک‌خدایی بودن ترکان قدیم است که در کنار آن نیروهای مافوق‌الطبیعه مانند *Kishi, Yer-sub, Erlik, Umay* را نیز ستایش می‌کرده‌اند.

پژوهشگر کتاب حاضر آقای مهدی حسنی در یک خانواده‌ی اصیل اردبیلی محب‌اهل‌بیت عصمت و طهارت و علاقه‌مند به فرهنگ و ادبیات ترکی متولدشده‌اند و نشو و نمو یافته‌اند و به خاطر آشنایی پدر بزرگوارش با

گویش‌ها و نیم زبان‌های تالشی، گیلکی، تاتی، کردی، کرمانجی، مازنی (طبری) و جز آن، تفهیم و تفاهم به این گویش‌ها را یاد گرفته‌اند. شاید علاقه‌ی وافر ایشان به زبان پژوهی و باستان‌شناسی نیز به همین خاطر است.

به هر انجام به نظر این‌جانب باید به زحمات و رنج‌های پژوهشی این جوان پژوهنده بها داد. این‌جانب انتشار این اثر تحقیقی را به‌مثابه حادثه‌ای نو در اورارتو پژوهی در کشورمان تلقی می‌کنم و ضمن آرزوی توفیقات کثیره برای مؤلف امید آن دارم که برای خوانندگان ایرانی مفید واقع افتد و راه به مفاصل رسمی و دانشگاهی کشورمان پیدا کند.

دکتر ح. م. صدیق

تبریز ۹۷/۰۸/۰۱

پیشگفتار نویسنده

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ اَلَّذِي بَيْنَكُمْ وَ اَلَّذِي بَيْنَكُمْ اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (سوره روم آیه ۲۲)

(و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شماست. قطعاً در این امر برای دانشوران نشانه‌هایی است.)

منطقه‌ی آذربایجان از دیر باز در تاریخ هم خود به عنوان گهواره‌ی ارزشمند از تمدن و فرهنگ بوده و هم در همسایگی تمدن‌های عظیم بشری از جمله تمدن متمدن متمدن و اقوام متناسب به آن قرار داشته و رشته‌ی محکم و ناگسستنی با آن‌ها از لحاظ درون‌مایه‌های تمدنی - فرهنگی و زبانی داشته است. پرواضح است که صحنه‌ی تاریخ در دنیا تزویرها و جعلیات فراوانی به خود دیده و این امر در مورد بررسی‌های تاریخی، فرهنگی و زبان‌شناختی ساکنان دیرین منطقه‌ی آذربایجان نیز بسیار پررنگ بوده است و علی‌الخصوص پس از تشکیل حکومت توسط رضاخان و پیرو آن در زمان فرزندش اشخاص فراوانی اعم از داخلی و خارجی استخدام شدند تا علیرغم شروع به نابودی کتب و اسناد تاریخی در گردهمایی‌های تحت عنوان کتاب سوزی‌های هفتگی و ماهیانه‌شان دست به شبیه‌سازی و جعل هویت و زبان برای مردم این خطه بزنند و آن‌چنان به نقل از همدیگر در کتب و نوشته‌هایشان بدون ابراز دلایل محکم و قانع‌کننده و بدون اتکا به هیچ سندی موثق حتی تا به امروز ولی با قاطعیت سخن از عدم حضور قومی تحت عنوان ترک در پهنه‌ی آذربایجان پیش کشیدند که تا عصر حاضر نیز اشخاصی را گرفتار این کابوس تلخ نموده‌اند

و در این در حالی است که اسناد و شواهدی که به لطف تلاش‌های خستگی‌ناپذیر دانشمندان بی‌طرف خارجی و داخلی و با اتکا به روش‌های علمی روزبه‌روز پرده از این جعلیات گسترده و تبلیغات عوام‌فریبانه برداشت و در سایر الطاف الهی و علی‌الخصوص رهبری رهبر فرزانه انقلاب، ترک‌ها نیز در کنار سایه اقوام پرافتخار ایرانی توانستند با بخشی از این حقایق گذشتگان و پدران‌شان آشنا شوند. من نیز به‌عنوان یک ترک ایرانی و علاقه‌مند به امر پژوهش با حضور در این فضای حاکم که امکان دستیابی به نوشته‌های گروه‌های فکری مختلف را داشتم پس از آشنایی با گنجینه‌های بزرگان جای خالی پژوهشی جداگانه در مورد زبان و فرهنگ اورارتوئیان به‌عنوان قومی از ساکنان دیرین آذربایجان، برآن شدم تا قدم در این راه دشوار نهادم.

نظر به اینکه زبان اورارتوئیان که قوم باستانی با قدمت بیش از سه هزار سال بوده و در نگارش و انتقال فرهنگ و واژه‌های خود از الفبای آوایی زبانی متفاوت با زبان خودشان بهره برده بودند سعی نمودم به‌عنوان پل ارتباطی به منبعی قدیمی از زبان ترکی یعنی دیوان الغات الترك با قدمتی هزارساله و دربردارنده‌ی درون‌مایه‌های فرهنگی و زبان ترکان مختلف جغرافیای گسترده‌ی باستان در قدم اول رجوع کنم تا بتوانم با چگونگی تغییرات آوایی واژه‌ها و شکل باستانی‌شان و همچنین وجود اشتراکات درون‌مایه‌ی فرهنگی و ممیزه‌های قومیتی ترکان و اورارتوئیان بهتر بپردازم، پس بیش از دو سال اقدام به تحقیق در دیوان الغات الترك و ثبت و یادداشت از این منبع گران‌سنگ نمودم و باوجود دسترسی به ترجمه‌ی دقیق و علمی آن توسط استاد گران‌قدر دکتر صدیق این امر به نحو احسن

امکان‌پذیر گردید و لیست اولیه لغات استخراجی پس از مقایسه با منابع اورارتویی و منابع سایر محققین و همچنین با نگاهی واکاوی به درون‌مایه‌های فرهنگی ترکان در شاهنامه تهیه شد، همچنین با شانس سفر به کشور ایتالیا به وسیله‌ی شناخت قبلی با تنی چند از علاقه‌مندان و محققین این عرصه موفق به بهره‌بردن از نتایج به‌دست‌آمده توسط پرفسور ماریوآلینی، دکتر آلفردتات و سایرین نیز شدم که البته جهت دستیابی آسان خواننده در کنار منابع کتبی در حد توان آدرس منابع آنلاین را نیز در کتاب ذکر نموده و در ادامه بنا به باور شخصی خود مبنی بر ذکر تاریخ و اقوام باستان منطقه‌ی خاورمیانه در کتاب آسمانی قرآن، معجزه‌ی جاوید حبیب خدای رحمان و پیامبر رحمت و مهربانی حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه و آل و سلم) و احادیث مفسرین واقعی قرآن و راسخون در علم یعنی شخص رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه و آل و سلم) و حضرات اهل‌بیت عصمت و طهارت ایشان سعی در جستجوی نظر و تحقیقات ارائه شده توسط اهل‌فن از این منابع اسلامی مذکور در جهت تطبیق با اقوال و احوال قوم اورارتو کردم.

امید است که این اثر گام مفید در جهت معرفی بیشتر در رابطه با بررسی، حفظ و صیانت مؤلفه‌های قومی، فرهنگی و زبانی ترکان بومی باستان ساکن آذربایجان در نزد اورارتوها بوده باشد و خوانندگان از آن بهره کافی ببرند. شایان ذکر است که در زبان اورارتویی شاهد دست‌یابی به موارد گرامری و لغات مخصوص ترکی آذربایجانی کمی متفاوت با اشکال حفظ شده آن‌ها در زبان سومری هستیم که این امر نیز برای ما بسیار جالب توجه بود. البته لازم به ذکر است که اگر نبود همراهی‌ها و کمک‌های بی‌دریغ دوستان، سروران و عزیزانی که مرا یاری نمودند این اثر

این گونه به رشته‌ی تحریر در نمی‌آمد و مفتخرم که از بزرگواران: استاد گران قدر پرفسور دکتر حسین محمدزاده صدیق که باعث دلگرمی و راهگشای این حقیر در تمام لحظات بودند، استاد مهربان اسدالله مردانی رحیمی محقق ارزشمند و توانای قوم قشقایی که کتاب بنده را مطالعه نموده و مشوق بودند، دوست عزیزم محمد پاک‌نژاد که در چگونگی امور مرتبط با تایپ و... راهنمایی‌ام نمودند، دوست مهربانم مهندس احمد پسنده که زحمت تایپ مطالب و طراحی جلد کتاب را با صبر و حوصله مثال‌زدنی عهده‌دار شدند، دوستان محترم آقایان محمد میرزا رحیمی سقزچی و اسماعیل موسالو قشقایی که پیشنهادهایی از دید خوانندگان را ارائه دادند، رفیق مهربانم آقای محمد محمدزاده که جهت تهیه عکس‌های موردنیاز از موزه‌ی اورمیه دریغ ننمودند، همسر مهربان و دلسوز و اعضای خانواده‌ام که تمام لحظات در کنارم و به‌عنوان قوت قلب حضور داشتند و....

مهدی حسنی (اردبیل‌لی)

مدخل

برای نخستین بار در کتیبه‌های سالمنسار اول (Salmansor) پادشاه آشور در قرن ۱۳ ق.م از قبایل اورارتو یاد شده است^۱ که در اصل منشأ آن به بازمانده‌های امپراتوری عظیم باستان میتانی‌ها برمی‌گردد.

اینسایکلو پدیای دانشگاه کلمبیا راجع به اورارتوها این‌گونه می‌گوید: قلمرو پادشاهی که شامل سرزمین‌های ارمنستان و شمال بین‌النهرین بوده و مرکزیت آن در حوالی ناحیه‌ی دریاچه‌ی «وان» در مناطق شرقی ترکیه امروزی بوده است. در کتب مقدس به نام «آرات» مطرح گردیده و از قرن ۱۳ ق.م تا ۷ ق.م وجود داشته است، ولی اوج قدرتمندی آن قرن ۸ ق.م و زمانی که موفق به کنترل قسمت عمده‌ای از شمال سوریه گردیده بوده است. اورارتوها به‌طور مداوم با آشوری‌ها از جمله شلمانسار اول، شلمانسار دوم و سارگون جنگیده‌اند و از سرزمین‌های خود در برابر حملاتشان دفاع نموده‌اند و هیچ‌گاه به‌طور کامل شکست نخورده‌اند. اما در قرن ۷ ق.م و در ادامه‌ی تهاجم‌های صورت گرفته به سرزمینشان این بار توسط کیمیری‌ها، اسکیت‌ها و مادها سرانجام امپراطوری اورارتوها منقرض گردیده است. بر اساس حفاری‌های انجام گرفته به‌خصوص در سایت‌های باستان‌شناسی «توپراق قالا» و «کارمیر بلور» به این نتیجه دست‌یافته‌اند که اورارتوها دارای مهارت‌های کشاورزی قوی و تمدن وابسته به تجارت بالایی بوده‌اند که عمدتاً تحت تأثیر آشوری‌ها بوده است.

اورارتوها دارای هنر و تکنیک‌های پیشرفته‌ای در خصوص خلق آثار فلزی و معماری (علی‌الخصوص قلعه‌های دفاعی) بوده‌اند.^۱

نامی که این قوم به خود شان داده‌اند (bia-ini-li) بوده است: «در اواخر قرن نهم و نیمه قرن هشتم (ق.م) محدوده حکومتی دولت اورارتو را مردم اورارتو به نام سرزمین‌های "بیانیلی" می‌نامند.»^۲

اورارتوها ابتدا خط هیروگلیف به کار می‌بردند ولی بعدها خط میخی را از آشور و یا اکد فراگرفته و آن را ساده‌تر و تا حدودی تکمیل نمودند.^۳

«از جمله نمادهای هیروگلیف شناسایی شده مرتبط با ظروف و واحدهای اندازه‌گیری مایعات که به صورت نماد  و با آوای "aqarqi" قرائت گردیده و به مفهوم پیمانه مایعات و نماد  که به صورت "Terusi" آوانگاری شده است، بوده‌اند.»^۴

رمزگشایی کتیبه‌های اورارتویی امری بود که دانشمندان را علاقه‌مند نمود. در سال‌های ۱۸۲۹-۱۸۲۸ توسط ف. شولز تعداد چهل کتیبه به خط میخی اورارتویی در ناحیه وان کشف و نسخه‌برداری گردید.^۵

از نیمه قرن نوزدهم سالیس "sayce" دانشمند انگلیسی به خواندن و ترجمه تعداد زیادی از کتیبه‌های اورارتویی اقدام نمود. پیشرفت فراوان

۱- The Colombia Electronic Encyclopedia copy right © 2013, columbia university press. www.cc.columbia.edu/cu/cup/. Bibliography see B.piatovski, Ancient civilization of urartu (1969)

۲. زبان اورارتو میلیکشویلی، ترجمه حمیده بحرانیان تهران ۱۳۸۷، صفحه ۱۴

۳. نگاهی نوین به تاریخ دیرین ترک‌های ایران، محمد رحمانی‌فر تبریز سال ۱۳۸۵، صفحه

۴- برای اطلاعات بیشتر رک "Urartuian Measures of volume By Margaret Payne «در کتابخانه آنلاین گوگل

۵. زبان اورارتو میلیکشویلی، ترجمه بحرانیان، صفحه ۲۰

درزمینه‌ی مطالعه این زبان به‌وسیله ک. پاد کانوف، م. نیکلوسکی و نیز دانشمند شوروی به نام ژ. میلیکی شویلی به عمل آمد^۱.

«در سال ۱۹۷۰ نیز ا.م. دیاکونوف اقدام به چاپ کتابی در مورد رابطه زبان هوری با اورارتویی نمود^۲. بعضی‌ها نیز از وجود رابطه بین زبان کاسی با زبان هوری سخن گفته و آن را با هوری مرتبط دانسته‌اند»^۳ و البته ا.م. دیاکونوف نیز یادداشت‌هایی درباره‌ی ارتباط زبان‌های کاسی و هوری ارائه داد^۴.

بر اساس اطلاعات اینسایکلوپدیای باستان‌شناسی دانشگاه آکسفورد زبان اورارتویی یک زبان ارگاتیو (ergative)، آگلوتیناتیو (Agglutinative) یا التصاقی بوده است که به هیچ‌کدام از زبان‌های خانواده‌های سامی (عربی، عبری و...) و هندواروپایی (انگلیسی، فارسی، هندی، ارمنی و...) تعلق نداشته است اما جزء خانواده‌ی زبان هوری-اورارتویی بوده است^۵.
نظر به اینکه دو اصطلاح ارگاتیو (ergative) و التصاقی یا Agglutinative دو نوع دسته‌بندی متفاوت برای یک‌زبان را نشان می‌دهند. لازم به ذکر

۱. تاریخ جهان باستان جلد ۱، صفحه ۱۴

2. Igor M. Diakonoff, Sergei A. Starostin. "Hurro-Urartian and East Caucasian Languages " Ancient Orient. Ethnocultural Relations. Moscow, 1988 "

3. See schnideider Thomas (2003) "kassitisch and Hurro-urartäisch."

۴- ا. م دیاکونوف، یادداشت‌هایی درباره کتیبه‌های اورارتویی VI, IV, 1952, صفحه ۱۱۰ و گ. آ میلیکی شویلی UKN، از صفحه‌ی ۲۹۲ به بعد، به نقل از تاریخ ماد صفحه ۱۴۵. ا. م. دیاکونوف ترجمه کریم کشاورز، چاپ تهران

5-The oxford Encyclopedia of archaeology in the Near East page 292 by Eric M. Meyers, American schools of oriental research. /Urartu

است که در تقسیم‌بندی ارائه‌شده، زبان اورارتویی^۱ از دیدگاه مورفولوژی زبان‌ها که در سال ۱۸۳۶ توسط (Wilhem Von Humboldt) طبقه‌بندی گردیده^۲ به‌عنوان زبان التصاقی یا Agglutinative و در کنار زبان‌هایی مانند زبان‌های زنده ترکی^۳، مغولی، منچوری، کره‌ای، فنلاندی، مجاری، تامل

۱- در زبان اورارتویی از دیدگاه "Word Order Criteria" معمولاً فعل در آخر می‌آید و بیشتر در حالت ارگاتیو شاهد کاربرد ساختار "S.O.V" یعنی "فاعل (Subject) - مفعول - فعل" هستیم ولی این حالت ثابت نیست و برای مثال اسامی خدایان گرچه حالت مفعولی در جمله دارند در ابتدا ذکر می‌شوند.

رک Urartu Language, Encyclopedia, Wikipedia

برای اطلاعات بیشتر در مورد انواع روش‌های تقسیم‌بندی زبان‌ها رک به کتاب چاپ‌شده به زبان انگلیسی توسط انتشارات رهنما از استاد زبان و ارتباطات دانشگاه آکسفورد: Linguistics, Jean Aitchison, pages 179-183

2- Stocking, George w (1995). The Ethnographer's magic and other Essays in the History of Anthropology. university of Wisconsin press. P. 84. ISBN- 229- 1314 14- 8

۳- برخی شباهت‌ها در نکات گرامری زبان اورارتویی با ترکی آذربایجانی (ایرانی) و ترکیه مشاهده نمودم که برای مثال مواردی در ذیل اشاره می‌نمایم:

الف) مقایسه‌ی پسوند شمارش اعداد ترتیبی: در زبان اورارتویی "ni" به آخر اعداد اضافه‌شده و آن‌ها را به‌صورت ترتیبی درمی‌آورد همانند: ŠiŠti+ni یعنی سومین بار و در ترکی آذربایجانی پسوند "nci - نچی" همین کاربرد را دارد مثل: üç+nci (سومین بار)

ب) در زبان اورارتویی ممیزه‌های اسمی معمولاً بعد از وجه اسنادی قرار می‌گیرد، مانند: Menuai pili (کانال مثنوا) که در زبان ترکی نیز مشابه است، مثل: Ali nin qapisi (درب علی)

ج) در زبان اورارتویی در حالت مفعول یابی یا مفعول‌معه که پاسخی به سؤالاتی از قبیل به چه کسی، از چه کسی، از چه چیزی می‌باشد در حالت مفرد از پسوند "ni" استفاده می‌گردد که شبیه پسوند "nin" در آذربایجانی می‌باشد، مثلاً اگر سؤال گردد به‌فرمان کیست؟ این‌گونه پاسخ می‌دهند: به امر خالدی ← Haldi+ni baušini و چنانچه در ترکی آذربایجانی می‌گویند: Haldi+nin əmrinə (bui ruşinə)

د) در زبان اورارتویی پسوند منسوبیت برای نشان دادن تعلق به شهرها یا کشورها به‌صورت مای "Li و ini" یا گاهی هر دو پسوند باهم دیگر کاربرد دارند مانند: bia+ini+Li و در ترکی

آذربایجانی نیز مانند: Sumarin+ ni (اهل روستای سومرین)، Shiraz+li (اهل شیراز) یا مواقعی همانند Oman+ni+li (اهل کشور عمان)

ه) در زبان اورارتویی افعال (متعدی) به وسیله ی ریشه فعلی "du" به معنی انجام دادن ساخته می شوند و در زبان ترکی هم افعال (متعدی و لازم) به وسیله ی ریشه ی فعلی "di" که به انتهای لغات افزوده می شود ساخته می شوند، همانند: "yaratdi - یاراتدی" - qazrildi - قذرلدی (شیخ کاشغری در مورد این فعل می گوید هم ناگذر و هم گذرا است. رک دیوان لغات الترک، ترجمه ی دکتر صدیق، ص ۳۸۷)

و) در زبان اورارتویی صامت (g) وجود دارد که مشابه ترکی ترکیه می باشد.

ز) در زبان اورارتویی همانند ترکی (مثل تلفظ آن در "قز" یعنی دختر) مصوت /ə/ Schwa که من در لغت نامه این کتاب به صورت علامت آوانگاری "I, i = ای" نشان داده ام وجود دارد و آوای /i/ و /ə/ به همدیگر تبدیل می شوند؛ مثلاً تلفظ نام پادشاه نامی اورارتوها "ارقیشتی" در جمله از "argišti" به "argišta" و در ترکی نیز مثلاً تبدیل تلفظ واژه ی "آلدی" به "آلدی" اتفاق می افتد.

ح) در زبان اورارتویی اول شخص مفرد به صورت "me" و در ترکی به صورت "mən" (دیوان لغات الترک، ص ۲۲۰: من)، Men (سومریان نیاکان ترکان، ص ۲۳۷: سومری: من)، "Bən" (ترکیه: من) می باشد، چنانچه دکتر صدیق در یادمان های ترکی باستان متذکر می گردند که من-بن از ریشه های ترکی باستان می باشد و البته چنانچه می دانیم در ترکی آذربایجانی "من" قرینه ی واژه ی "سن" به مفهوم "تو" به کار می رود که شبیه کاربرد آن در زبان فنلاندی از شاخه ی فین-اوغور است که به صورت واژگان "Minä" به مفهوم "من" و "Sinä" به مفهوم "تو" کاربرد دارند. رک دیکشنری آنلاین انگلیسی-فنلاندی

ط) در زبان اورارتویی نیز همانند سومری و ترکی واژه ی اصیل این زبان که با حرف و آوای "R" شروع شود وجود ندارد.

ی) در زبان اورارتویی نیز چنانچه در قسمت لغت نامه شاهدیم همانند زبان ترکی قاعده ی هماهنگی اصوات از جمله هماهنگی حرف صدا دار (Vowel) آخر واژه با حرف صدای اول جمله همانند: ada - ere - udu - isi - irdi - ini می گویند.

ک) علامت جمع "in" در زبان اورارتویی چنانچه در واژه ی "Erin" به مفهوم "سربازان" به کار رفته وجود دارد که در ترکی نیز برای مثال در واژه ی "teg" (شاهزاده) به صورت "tegin" (شاهزادگان) شاهد این کاربرد هستیم.

و... و زبان‌های باستانی و خاموش مانند سومری^۱، ایلامی^۲، هوری، لولوبی، کاسسی، گوتی، اتروسکی^۳ و... قرار گرفته است که در آن‌ها واژه سازی با ترکیب یک ریشه‌ی ثابت و تعدادی پسوند که به انتهای ریشه اضافه می‌شوند انجام می‌گیرد.

برای مثال در عبارت ترکی «evlerinden» «از خانه‌اش» «ev» «خانه»، «ler» «نشانه جمع»، «in» ضمیر ملکی «مال او» و «den» پسوند اضافه حالت مفعول عنه یا حالت «ازی» به معنی «از» است. به‌طور کلی هر «وند» یک تکواژه را بیان می‌کند و هر تکواژه متمایز است. «ler» به‌طور خودکار نشانه‌ی جمع برای تمام کلمه است، «den» به معنی «از»، پس از هر عبارت اسمی و غیره می‌آید. تکواژه‌ها متمایز هستند و درهم ادغام

۱- ریشه‌ی فعل در سومری ثابت و تغییرناپذیر است و هیچ شباهتی با پیچیدگی‌های صرف فعل در زبان‌های سامی و هندواروپائی ندارد. رک اصول دستور زبان سومری و تاریخ باستان‌شناسی، جان لوئیز هایز، ترجمه فریدون عباسی ص ۶۴

البته ذکر این نکته حائض اهمیت است که از دیدگاه گونه شناسی (Typology) زبان ترکی یک‌زبان پیوندی از نوع S.O.V (Verb - فعل، Object-مفعول، Subject-فاعل) تلقی می‌شود و اضافه ملکی در آن به‌صورت مالک - ملک (possessor - مالک، Possessed-ملک) می‌باشد و زبان سومری نیز از نوع S.O.V می‌باشد، گرچه اضافه ملکی در سومری معمولاً به‌صورت عکس ترکی یعنی «ملک - مالک» مانند «خانه - شاه» دیده شده است ولی در شکل کهن‌تر آن شاهد استفاده اضافه ملکی به‌صورت «مالک-ملک» و همانند ترکی هستیم. رک اصول دستور زبان سومری و تاریخ باستان‌شناسی، جان لوئیز هایز، ترجمه فریدون عباسی، ص ۱۴۴

۲- به اذعان دانشمندان اورارتو پژوه؛ در زبان اورارتویی تعداد بی‌شماری از ضمائر و پسایندها در حالت‌های فاعلی و ریشه فعلی مشابه با زبان عیلامی است. رک زبان اورارتو، میلیکشویلی، ترجمه حمیده بحرانیان، ص ۲۰

۳- تأثیرپذیری اتروسکی‌ها از تمدن اورارتویی مقوله‌ی جدید مطرح شده توسط دانشمندان است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت ولی در مورد اشتراکات زبانی آن‌ها کار جدی انجام نشده که در حد توان و مجال به آن پرداختیم ولی نیازمند تلاشی جداگانه می‌باشد.

نشده‌اند.^۱ تقسیم‌بندی زبان اورارتویی در خانواده‌ی ارگاتیو (ergative) مبحثی است که اشاره‌ای به آن می‌نماییم. برخی از زبان‌های التصاقی خاموش همانند سومری و... و زبان‌های تحلیلی مانند انگلیسی، فرانسوی و... نیز می‌توانند دارای حالت ارگاتیو باشند؛ یعنی دارای فعلی باشند که می‌تواند به صورت گذرا (متعددی) transitive و یا ناگذر (لازم) intransitive باشد. برای مثال فعل “borke” در جملات ذیل به دو شکل گذرا و ناگذر به کار رفته است:^۲

1- she broke the glass. → (گذرا) دارای مفعول مستقیم است.

2- The glass broke. → (ناگذر) مفعول مستقیم ندارد.

البته این امر در زبان ترکی آذربایجانی نیز صادق هست و دارای افعال دوجمله‌ای است که «این افعال می‌توانند هم به صورت گذرا به کار روند و هم به صورت ناگذر»^۳ همانند:

آتماق، آچماق، وورماق، دوغماق، کسمک، سپمک، سورمک، سۆزمک، چَرتَمک، چِرتماق، جَبرماق، اؤزمک، توتماق، آشماق، کئچمک، گزمک، دولانماق، چاتماق، چبخماق، قهزدهرماق، قورتارماق، ده بيشمک، یوخلاماق، پؤرتمک، سانجماق و... که برای مثال از ریشه فعل «آتماق» در کاربرد گذرا (متعددی) در معانی انداختن، پرتاب کردن، رها کردن و... به کار می‌رود.

^۱ اصول دستور زبان سومری و تاریخ باستانشناسی، جان لوئیز هایز، مترجم: فریدون عباسی،

تهران ۳۱۲۹، ص ۲۶

^۲ – look at American Heritage Dictionary/Ergative

^۳ – دستور زبان آذربایجانی دکتر صمد رحمانی خیابوی، صفحه ۱۳۶، نشر اختر

مثل: «اؤ شاق اؤزونی آنا سېنېن قوجاغېنا آتدی...»^۱ و «در کاربرد ناگذر در معانی زدن، تحرک و...» به کار می‌رود. مثل: «حکیم گۆردۆکی، خسته نین نبضی آتمبر».^۲

پس زبان ترکی آذربایجانی نیز علیرغم اینکه جزء زبان‌های التصاقی است ولی دارای حالت ارگاتیو و افعال دووجهی نیز است. لازم به ذکر است که دانشمندان در مورد وجود زبان ارگاتیو خالص مطمئن نیستند؛ «زبان خالص ارگاتیو (اگر باشد) بسیار کم است»^۳ و حتی در مورد زبان سومری نیز کاربرد اصطلاح زبان ارگاتیو را به‌طور کامل قبول ندارند: «ولی این اصطلاح دقیق نیست، زیرا حداقل به اصطلاح روی طول محور یک نمودار؛ زبان سومری نیمه اسمی - ضمیری است»^۴. «همه محققین عقیده ندارند که زبان سومری بر مبنای ارگاتیو عمل می‌کند. بعضی سومرشناسان عقیده دارند که مدارک کافی برای بازتاب حالت ارگاتیو در زبان سومری وجود ندارد و همین‌طور اعتقاد دارند، استثنائات خیلی زیادی در مدل ارگاتیو سومری وجود دارد».^۵

دکتر ض. صدر نیز با توجه به حقایق و نظرات زبان‌شناسان^۶ می‌گوید: امروزه زبان‌شناسان اورارتویی را همراه با ایلامی، سومری، ماننایی و... در

۱- ه.م.ق همان‌جا

۲- ه.م.ق همان‌جا

۳- اصول دستور زبان سومری و تاریخ باستان‌شناسی، جان لوئیز هایز، مترجم فریدون عباسی، تهران ۱۳۸۹، صفحه ۲۲

۴- ه.م.ق.ص ۳۲۴

۵- ه.م.ق.ص ۲۴

۶- ا.م.دیاکونوف نیز در تاریخ ماد زبان اورارتویی را در کنار زبان‌هایی مانند هوری، عیلامی، زبان‌های آلتایی مانند ترکی و مغولی، تونگوس، منچوری، مجاری، فنلاندی، ژاپنی،

ردیف زبان‌های التصاقی قرار می‌دهند^۱. شایان ذکر است که تأثیرگذاری اورارتوئیان^۲ در مدنیت اتروسکی‌های غیر هندواروپایی که پیش از آمدن رومی‌تباران به ایتالیا در قسمت‌هایی از آن ساکن بوده‌اند و از طریق آن‌ها در مدنیت رومیان قابل مشاهده و پیگیری است، چنانچه ادبیات جهان پس از مرگ در کتب تاریخی روم و یونان و ساخت مقبره‌ها (گورکان‌ها) و همچنین اموری همانند تشکیل دولت، شهرسازی، فال‌بینی، صنعت‌کاری فلزات، اربابه‌سازی و پرورش زیتون، انگور و اسب و... از این تأثیرپذیری حاکی است؛ اما مورد بسیار جالب مطرح شدن ارتباط زبان اتروسکی‌ها با زبان‌های التصاقی گروه زبان‌های سومری، هون، مجاری و ترکی توسط دانشمندان^۳ معتبر معاصر با اتکا به آزمایش‌ها ژنتیکی و بررسی حقایق

دراویدی و... در خانواده‌ی زبان‌های "آگلوئتینیاتیو یا الحاقی" شمرده است. رک تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، ص ۶۱

۱- رک کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، ض، صدر صفحہ ۹
 ۲- برای مثال شباهت اشیای برنزی و دیگ‌های اورارتویی دارای یک یا سه پایه نگه‌دارنده در زیر دیگ‌ها با اشیای برنزی و دیگ‌های مکشوفه از گورکان‌های اتروسکی نیز امری کاملاً مشهود می‌باشد. رک <http://www.ancient.eu/Urart>

۳- برای مثال از لغات مشترک ترکان با زبان اتروسکی با اتکا به فصل نهم کتاب "Etymological Dictionary of Hungarian" و کتاب "Etruscans, Huns and Hungarians" نوشته‌ی "پروفسور آلفرد تات" و منابع سومری و اورارتویی مواردی را استخراج نمودم: واژه‌ی اتروسکی "araś, araša" معادل Span در انگلیسی که واحد اندازه‌گیری طول و برابر با طول دست انسان می‌باشد معادل ترکی آن "آرشین - arşin" و در مجاری "aras" است - واژه‌ی اتروسکی "apa" به مفهوم "پدر"، ترکی "aba"، مجاری "apa" سومری "ab, ab-ba" است - واژه‌ی اتروسکی "Cel" به مفهوم "الهی زایش و باروری، تغییر مکان و جابجایی" ترکی "gəlin-گلین (عروس)، گلین (بیابین، جابجا بشین) - دیوان لغات الترک (kəlin عروس، ص ۲۴۷)، مجاری "kelni (بر خواستن)، سومری "Kur (وارد شدن، تغییر دادن)، دیوان لغات الترک "Kul - i - mak (ترک کردن)، اورارتویی "kulu (ترک

کردن)، kuri (پا) می‌باشد - واژه‌ی اتروسکی "xia" به مفهوم "دربان"، ترکی "Kapi - قاپی، قاپو (در، دروازه)"، مجاری "Kapu (در، دروازه)"، سومری "ka (در، دروازه)"، اورارتویی "ka (در، دروازه)" - واژگان اتروسکی "hara, hurt, har" به مفاهیم "میدان جنگ، مبارزه کردن، جنگیدن"، ترکی "hara-ol (سربازان پیش‌آهنگ)"، hara (غوغا، فریاد، مهیب)"، مجاری "hare (میدان جنگ)"، harcolni (مبارزه کردن، جنگیدن)"، اورارتویی "hara-di (سرباز، جنگجو)" - واژه‌ی اتروسکی "elssi" به مفهوم "اولین"، ترکی "Ilk"، مجاری "el-s-o (اولین)"، زبان هونی "elū-elenisi-ele (اولین)"، سومری "ul (مدت‌زمان دوری)"، اورارتویی "alasu (بزرگ)" - واژه‌ی اتروسکی "nene" به مفهوم "پرستار، دایه"، ترکی "ننه (مادر بزرگ، مادر)"، مجاری "néni, néné (عمه، خاله، خواهر بزرگ‌تر)"، سومری "nin (خانم، خواهر)" - واژه‌ی اتروسکی "papa" به مفهوم "پدر بزرگ"، ترکی "Baba (پدر)"، مجاری "papa: (پدر)"، سومری "ab-ba: (پدر)"، اورارتویی "baba: (کوهستان)"، هوری (papa: کوهستان)" - واژه‌ی اتروسکی "Uri, ure, uru" به مفهوم "آقا، ارباب"، ترکی "Uri" فرزند ذکور، پسر در دیوان لغات الترک (ص ۱۱۹)، مجاری "úr (آقا، ارباب)"، سومری "Ur (مرد)"، اورارتویی "Uli/e (دیگری)"، uru (شهر)" - واژه‌ی اتروسکی "Vraθ (زدن با چیزی)"، ترکی "Vir (ریشه‌ی فعل زدن)"، مجاری "Verni (زدن)"، سومری "bir, ber (زدن و پراکنده کردن)" - واژه‌ی اتروسکی "balteus" که به صورت "belt" وارد زبان لاتین شده، ترکی "balta (تبر)"، مجاری "balta (تبر)"، زبان هون "balta (تبر)"، سومری "bal (نوعی سنگ)" - واژه‌ی اتروسکی "Xavex (کسی که فریاد می‌زند، چیزی را بلند بیان می‌کند)"، ترکی "Çavuş - Çavış - ۲ - چاوش، کسی که پیشاپیش قافله یا زوار حرکت کند و آواز خواند [لغت‌نامه معین، ترکی بودن واژه قیدشده]"، مجاری "Cső, Csá, Csáo (سلام، خداحافظ)"، زبان هون "Chűvigh, Chűvin (صدازدن)"، زبان اورارتویی "tiau (گفتن، صحبت کردن)"، سومری "di (صحبت کردن، گفتن)"، احتمال دارد که ریشه‌ی واژه‌ی ایتالیایی "Ciao" با تلفظ "چائو / Chaao" و به مفهوم "سلام، خداحافظی و درکل برای احوال‌پرسی" است، اتروسکی باشد چنانچه در سایر زبان‌های اروپایی نیز اثرات آن باقیمانده مانند یونانی "با تلفظ tsao (خداحافظ)"، بلغاری "Chao (خداحافظ)"، انگلیسی "Ciao (خداحافظ)"، فنلاندی "tsau (سلام، خداحافظ)"، آلمانی "Ciao, (tschau خداحافظ)"، فرانسوی "Ciao, tchao (خداحافظ)" و البته وارد زبان‌های دیگری هم که از فرهنگ اتروسکی تأثیر گرفته‌اند شده است که مجال پرداختن در اینجا نداریم - واژه‌ی اتروسکی "ixeme (نوشیدن، نوشیدنی)"، ترکی "içim - ایچیم (بنوشم، نوشیدنی)"، içmək (نوشیدن)"، içməli (نوشیدنی)"، مجاری "inni, igi (نوشیدن)"، اورارتویی "isi (آب)" - واژگان اتروسکی "ten - θen - tn - ta" به مفهوم "مانند قدرتمند مطلق، ارباب، صاحب‌اختیار رفتار کردن" و معادل آن در ترکی "tanrı, tari, tanrı (قدرت مطلق، صاحب‌اختیار، خدا)"، dinmə

(دست نزن، انجام نده، حرف نزن) " مجاری ten-ni (انجام دادن)، زبان هون teni, tūn (انجام دادن)، سومری tar (تصمیم گرفتن، اعمال نظر کردن)، سومری Dingir (خدا، قدرت مطلق)، اورارتویی tarae, tarai, taragi, tarage (قدرتمند، قوی) و tanu (انجام دادن، تولید کردن) – واژگان اتروسکی tušti, tušθi (بر روی آتش، شعله)، ترکی tüsti (دود بر بالای آتش)، مجاری " (تüz + t, et, ott (locative Suffix) (آتش) "، زبان هون teszth, teszthi (آتش)، هوری tari (آتش) – واژه اتروسکی θac1θi (ساکت)، ترکی Säs-siz (ساکت) "، مجاری Sik-et Sük-et, (کر، ناشنوا)، سومری Sig (ساکت) – واژه اتروسکی θam (بناکردن، ساختن، پیدا کردن)، ترکی tam (دیوار، دیوان لغات التکر، ص ۵۰۵)، dam (سقف، خانه)، مجاری gyám (ستون)، سومری dim (ستون)، dam (همسر) اورارتویی tan (پایه، اساس)، tan+u (پایه گذاری کردن، تولید کردن) – واژگان اتروسکی tur (شخص قوی، گاو نر)، tura (صفت زنانه به مفهوم قوی، محکم، گاو ماده)، ture (تقویت کردن)، turan (بالاترین و قوی ترین خدای زن از لحاظ جایگاه)، ترکی tur-aq (مقاوم، پایدار)، tur-um – tay (پرنده شکاری، اسب سرکش، لقبی برای مردان و نماد قدرت – دیوان لغات التکر صص ۵۴۱، ۵۵)، turan (پسوند آلپ و دلاور ترک در سنگ نوشته یی سنی: اوزیگن آلپ توران و پسوند دلاوران ترک تورانی شاهنامه)، مجاری der-ék (صادق، خوش اندام، خوب، مرد زیبا) (زبان هون "dergü"، سومری diri, dirig (بسیار عالی، خیلی بزرگ، عالی، فراتر از قدرتمندی، صاحب اختیار، بزرگ، فراوانی و...)، سومری durah (بزرگ، وحشی)، سومری durani (مستحکم، قوی)، " واژگان اورارتویی tur (منهدم کننده، از بین برنده) tur-u (منهدم کردن، از بین بردن)، Turani (نماد خدای مرد قدرتمند اورارتویی به شکل بزی با دو بال مجزا ترسیم شده) – واژه اتروسکی tyúk (مرغ)، ترکی toyuk (مرغ)، سومری dug (پرنده) – واژه اتروسکی erce, er (غرورمندی، افتخار، احترام)، eris (افتخار، احترام)، ترکی er.ər.ar (مرد، قهرمان)، اورارتویی ere, er.ər (پادشاه، مرد)، سومری ar (غرور، مردانگی)

زبان‌شناسی، تاریخی و فرهنگی همانند پروفیسور ماریو آلینی است که نشانگر پروتو ترک^۱ بودن ریشه‌ی اصلی موج تمدن ساز اروپاییان که خودشان را "rasna" یا "ra'sna" می‌نامیدند^۲

۱- برای مطالعه بیشتر در مورد ارتباط ژنتیکی و زبانی اتروسکی‌ها و ترکان رجوع کنید به کتاب پروفیسور آلینی به ایتالیایی:

Etrusco: una forma arcaica di ungherese, 2003, il Mulino, Bologna. The Etruscan language as an archaic form of Hungarian. Alinei, Mario و مقاله‌ی

ذیل <http://s1552392154.onlinehome.us/Turkic/34Etruscans/EtruscanAndHungarianEn.htm>

و همچنین رجوع شود به اینسایکلوپدیای بریتانیکا www.britanica.com/topic/Etruscan-language#

۲- چنانچه پروفیسور "آلفرد تات" اشاره نموده است؛ خویشاوندی ژنتیکی اتروسکی‌ها و ترکان اخیراً به اثبات رسیده است (رک Achilli et al. 2007, Pellicchia et al. 2007) و همچنین مقالات ژنتیکی پروفیسور ماریو آلینی (برای مثال Alinei 2005b)؛ رک Etruscan, Huns and Hungarians by Pro. Dr. Alfréd Tóth و در مورد تأثیر اتروسک‌ها در تمدن، فرهنگ و زبان اروپاییان قدیم رک مقاله گاردین

www.theguardian.com/world/2007/jun/18/Italy/johnhooper

و تحقیقات انجام‌شده در رابطه با ارتباط ژنتیکی زبان اتروسکی و مجاری (تحقیقات آیزاک تیلور 1874 Taylor) و پذیرفتن آن توسط زبان‌شناس معروف Pott 1877, p. 15ss August Friedrich pott) و مطرح‌شدن خویشاوندی زبان سومری با اتروسکی توسط زبان‌شناس آلمانی سیگوارت (Sigwart 1917, esp. p. 148ss) که منجر به پایه‌ریزی ارتباط این دو زبان با مجاری و مجاری باستان گردید، تحقیقات شرق‌شناس معروف بارون کارا در مورد ارتباط زبان اتروسکی با زبان‌های آلتایک (1911) و دو سال بعد نوشتن کتاب در مورد ارتباط زبان اتروسکی‌ها و مجاری‌ها توسط استاد دانشگاه سوربن پاریس Jules Martha (La language "étrusque" in 1913)، ارائه سخنرانی در کنگره‌ی شرق‌شناسی در رم توسط Von Pográny-Nagy در سال ۱۹۳۵ درباره‌ی ارتباط زبان اتروسکی با سومری و مجاری که منجر به ارائه تحقیقات گسترده در این رابطه در سال ۱۹۳۸ گردید، ارائه‌ی مقالات متعدد اتیمولوژیک در مورد ارتباط زبان‌های سومری-اتروسکی-مجاری توسط مورخ نامی e.g. Padányi 1963, Viktor Padányi (1964) و از جمله کتاب دانشمند مشهور زبان‌شناس ایتالیایی پروفیسور ماریو آلینی که در مورد رابطه زبان اتروسکی با زبان مجاری و پروتو مجاری و در نتیجه حضور مقادیر فراوانی از لغات پروتو ترکی در زبان اتروسکی و نفوذ آن حتی در زبان لاتین در کنار آزمایش‌های ژنتیکی و اثبات خویشاوندی ژنتیکی اتروسکی‌ها با ترکان می‌باشد،

و همانند سایر ترکان مهاجر از حوزه‌ی دریاچه اورمیه به سایر نقاط اعم از شرق و غرب میزده‌های خاص فرهنگی شأن‌همانند ساخت بال‌بال‌ها و

مثال؛ لغت اتروسکی "ثاورا-thaura" طبق متن ایتالیایی‌اش: 'θaura corredo funerario' Etr به مفهوم "جهیزیه شامل لباس و دارایی و... تدفینی" با لغات تاوار (ثروت، دارایی، قدرت به ترکی) - تابار (با همان معانی در کتاب قوتادغوبیلیک) - داوار (گوسفند در ترکی ایران و ترکیه)، لغت اتروسکی "اورو" 'Etr.uru' signore که معمولاً روی اشیایی چون پیاله‌ها و گلدان‌های باستانی آمده و به مفهوم "آقا و ارباب" است را با ur (لغت مجاری رایج در قرن پانزده به مفهوم آقا، ارباب، مالک) - urug (ترکی باستان یعنی جوان، تخم و... - uri (ترکی اویغوری به مفهوم گندم، دانه، نسل) - Uri به مفهوم فرزند ذکور در دیوان الغات الترك (ص ۱۱۹)، لغت اتروسکی "villa" به مفهوم "روستا - خانه روستایی" که از قرن پانزدهم به بعد در ایتالیایی نیز رایج گردید و سپس به زبان لاتین رفت و حتی واژه‌ی "village" به مفهوم روستا در انگلیسی نیز از آن مشتق شده که با جابجایی حرف v به b در ترکی به صورت‌های "بیل-بول-بالیق" بکار رفته است و در پسوند نام شهرهایی مثل "آردبیل [آرت] (کمره‌ی کوه، گردنه، دیوان الغات الترك ص ۱۰۱) + بیل (روستا، شهر و...)؛ یعنی شهری که در گردنه‌ی کوه و بلندی قرار دارد. مؤلف] - اندبیل" و مکان‌هایی چون "دریاچه‌ی شورابیل" هنوز قابل مشاهده است، لغت اتروسکی "clan" یعنی "پسر" بالغت ترکی "oklan"، لغت اتروسکی "apa" یعنی پدر بالغت ترکی "aba-apa"، لغت اتروسکی "papa" یعنی پدر بزرگ با ترکی "baba"، لغت اتروسکی "puia" یعنی خانم-همسر با ترکی "bayan"، لغت اتروسکی "mi" یعنی من با ترکی "man-ban" و موارد متعدد دیگری که قابل مشاهده و مقایسه است، لازم به ذکر است که مقایسه زبان اتروسکی با ترکی از لحاظ لغات، گرامر و حتی حروف الفبای آن‌ها توسط محقق گرانقدر آذربایجانی استاد پروفیسور فریدون آغاسی اوغلو جلیل اف در کتاب Etrusk-Turk Bagi چاپ سال 2011 در باکو انجام شده است که در کتاب دیگر ایشان یعنی Doqquz Bitik: Azərbaycan türklərinin islamaqədər tarixi نیز بعد از صفحه‌ی 155 به آن اشاره شده که در کتابخانه آنلاین گوگل نیز به آدرس اینترنتی <http://books.google.com> با همین نام قابل رویت می‌باشد، البته که مقایسه زبان اتروسکی با اورارتویی از دریچه‌ی ترکی مبحث مهم دیگری است که باید به طور جداگانه به آن پرداخته شود.

مجسمه‌های سنگی، پرورش دام‌های اهلی و اهمیت به پرورش اسب، کاربرد نمادهای حیوانات در آثارشان و باور به توتم گرگ را حفظ نموده‌اند.^۱ در ادامه در ۴ بخش اقدام به بررسی و ارائه‌ی موارد مشترک هویت قومی-فرهنگی و ویژگی‌های زبان و ادبیات اورارتویان با ترکان خواهیم نمود.^۲

۱- چنانچه بنا به افسانه‌ی اقوام باستانی ساکن سیبری تحت عنوان امروزی "KET" که در گذشته تحت عنوان "Ostyak" یا "The Yenisei-Ostyak" که واژه‌ای ترکی به مفهوم "Stranger- غریب، غریبه و بیگانه" از سمت ترکان مهاجر به مردمان آن ناحیه به آن‌ها اطلاق شده است؛ اقوام "KET" تحت فشار مهاجرین جدید که در زبان محلی اقوام سیبری به آن‌ها "Tystad" اطلاق شده و به مفهوم "Stone people - مردمان سنگی" که سازنده‌ی بالبال‌های سنگی و پرورش دهنده‌های اسب، گوزن و... بوده‌اند و در واقع همان ترکان باستان مهاجر از حوزه‌ی دریاچه ارومیه و هون‌ها بوده‌اند از نواحی خود به سمت سیبری عقب رانده شده‌اند. رک به آدرس: <https://www.ancient-origins.net/human-origins-science/inexplicable-origins-ket-people-siberia-009908>

۲- زبان‌شناسان رسانه‌ی Sticking Mikes International در شهر لاهه (Hague) هلند که اقدام به چاپ مقاله‌ی پروفیسور دکتر آلفرد تات - Prof.Dr.Alfréd Tóth زبان‌شناس مجاری در رابطه با مشترک بودن ریشه‌ی زبان‌های سومری، مجاری و ترکی نموده‌اند به نکته‌ی مهم باستان‌شناسی در اثبات وجود لایه‌های ترکی در بین سومری‌ها مبنی بر پیدا شدن نوعی ابزار مخصوص کشاورزی سومریان با سری تیشه‌ای شکل و محل خالی جاگذاری دسته (فلزی یا چوبی) در فضای پشت سر آن برای تقویت و استفاده راحت جهت مصارف کشاورزی و کار بر روی زمین با نام لاتین "Socketed ax head" مکشوفه در هردو سرزمین بین‌النهرین و منچوری اشاره کرده‌اند که نگارنده‌ی این سطور این ابزار را با نام "قازما" امروزه نیز در بین کشاورزان آذربایجان مشاهده نموده است.

برای اطلاعات بیشتر رک به مقاله چاپ شده از "پروفیسور تات" در رسانه‌ی مذکور به آدرس: <http://s155239215.onlinehome.us/turkic/45TurkicAndHungarian/Toth:> A EDHTurkic-Hung2007En.htm و جستجوی واژه‌ی Socketed ax head جهت مشاهده‌ی تصویر و همچنین جستجوی این واژه‌ی در دیکشنری آنلاین ARCHAEOLOGY WORDSMITH